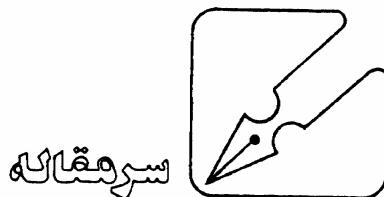




۱



## یک ضرورت

آلمان، فرانسه و هلند گسترش پیدا کرد. در آن دوره تحولات تدریجیاً باعث دگرگونی عمیق در شرایط زندگی مردم گردید. از جمله نوزدهم به سایر کشورهای اروپائی خصوصاً

در نیمه دوم قرن هیجدهم انقلاب صنعتی از انگلستان آغاز و به سرعت در اوایل قرن

تغییرات تأسیس و فعالیت کارخانه‌های مختلف ممکن بعد از دیگری میباشد. با افزایش امکانات علمی و صنعتی تحول در روند بازار مصرف محقق، ولا جرم افزایش تولیدات اجتناب ناپذیر شد. طب سنتی نیز بنویه خود در جامعه اروپا دستخوش تغییر گردید و بتدریج مصرف بعضی از آلکالوئیدها و گلیکوزیدهای استخراجی از گیاهان داروئی ارزش درمانی بالائی را کسب نمود. در آلمان، داروسازی بنام هنریخ ای مرک (۱۸۰۰ – ۱۷۹۴) اولین کارخانه داروسازی را برای تولید انبوه کوکائین و مورفین به سال ۱۸۲۷ تأسیس نمود. با رشد فارماکولوژی و استفاده از مواد شیمیائی سنتیک بتدریج تأسیس کارخانجات مدرن داروسازی خصوصاً در منطقه باواریا و قسمت آلمانی سوئیس آغاز گردید. بهر حال عامل اصلی راه‌اندازی کارخانجات قطعاً استفاده مطلوب از تئوریها و تجربیات حاصل از علم شیمی و فیزیک و همکاری تنگاتنگ و نزدیک دانشگاهها در آن زمان بوده است. البته فعالیت و پیشرفت صنایع نساجی انگلستان و آلمان در نیمه دوم قرن هیجدهم بتدریج مشکلات و نیازهای فوق العاده خاصی را باعث شده بود. که در جهت حل مسائل مربوط به صنایع نساجی از جمله تهیه رنگهای سنتیک ویلیام پرکین در سال ۱۸۵۶ کنین را تهیه و شرکت بایر آلمان برای تولید آنبلین در ۱۸۶۳ تأسیس گردید. بدنبال آن شرکت هوخت با هدف تهیه و تحقیق برای تولید رنگهای مختلف شروع به فعالیت نمود. کشف سالسیلیک اسید و کلروفورم و بدنبال آن

استانیلید در سال ۱۸۶۸ و فناستین در ۱۸۸۷ (باир آنرا ثبت و در بازار عرضه کرد) را میتوان شروع فعالیت‌های داروسازی امروزه بشمار آورد. در سال ۱۸۹۰ مطالعه مجدد در مورد استیل سالسیلیک اسید (این دارو در سال ۱۸۵۹ کشف شده بود) شروع و به سال ۱۸۹۹، شرکت بایر آنرا بنام آسپرین معرفی نمود. با عرضه آسپرین در بازار و مشخص شدن ارزش ضد درد و تب آنتی پیرین در اپیدمی سال ۱۸۹۰ برلین تحقیقات وسیع در صنایع آنروز داروسازی سرعت و شدت پیدا کرده و شرکت هوخت پیرامیدون را در بازار عرضه نمود. بتدریج بهرینگر، شرینگ آلمان و در سوئیس شرکت سیبا (تأسیس شده در سال ۱۸۵۲ برای تولید فوشن) به سال ۱۸۸۴ و گایگی در سال ۱۸۹۴، ساندوز ۱۹۱۷ و در سال ۱۸۸۴ هووفان لاروش فعالیت تولید محصولات داروئی را آغاز کردند.

در انگلستان آن هانبوریز، باروز ولکام، گلاکسو و در آمریکا اس کاف، وارنر لمبرت، آپجان، ابوت، وايت، فایزر و اسکوئیپ نامهای آشنائی هستند که به ترتیب شروع به کار نمودند. غالباً شرکتهای داروسازی خصوصاً شرکتهای آلمانی و سوئیس با فعالیت تولید مواد شیمیائی کار صنعتی را شروع نموده و بتدریج خطوط تولید خود را تغییر و بخش داروسازی را ایجاد نمودند. این شرکتها با تحقیقات علمی وسیع و گسترش سرمایه گذاری و دست یابی به بازارهای بین‌المللی جایگاه قوی اقتصادی را کسب و با تبلیغات و توان علمی

فوق العاده بالا در عرصه تجارت دارو به قدر تهای مطلقه تبدیل شدند. صنعت داروسازی در ایران حدود یکصد سال بعد از تأسیس اولین کارخانه داروسازی در آلمان به سال ۱۳۱۳ با نام شرکت گل بمنظور تولید تنظورها و اموالسیونها تأسیس شد ولی در سال ۱۳۲۰ با آغاز جنگ جهانی دوم ورود دارو به ایران قطع و همین امر باعث شروع فعالیت لابراتوارهای متعدد داروئی گردید که از آنجمله میتوان لابراتوارهای هور، دکتر عبیدی، ویرا، توال، فارما و... رانام برد. این لابراتوارها با تولید شربت، حب، بسته گرد و قرص سازی دستی و نیمه اتوماتیک فعالیت میکردند و همانطور که پیش‌بینی میشد با تأسیس شرکتهای داروسازی چندملیتی و شرکتهای تولید دارو و داروپخش که قسمتی از داروهای تولیدی آنها تحت لیسانس کمپانیهای چندملیتی بود بمرور از صحنه رقابت خارج و عملآصنایع ملی داروسازی به دلایل علمی، اقتصادی و سیاسی عقب نگهداشته شده و عنان اختیار بازار داروئی ایران در دست کمپانیهای چندملیتی قرار گرفت. البته این وضع تنها برای کشور ما ایجاد نشده بود بلکه به لحاظ توان علمی، تحقیقاتی و پژوهشی قوی صنعتی کمپانیهای بزرگ جهانی در بازار رقابت، غالب صنایع ملی داروسازی کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۷۰ کنار گذاشته شدند. خصوصاً اینکه شرکتهای داروسازی مستقل در کشورهای جهان سوم ناچار بودند مواد اولیه و کمکی و بسته‌بندی خود را نیز از طریق منابع رقیب خریداری و

وارد نمایند. با شروع انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران و با اجرای طرح ژئویک مجددآزمینه برای رشد صنایع ملی مساعد گردید بطوریکه با اعزام مدیر به کمپانیهای چندملیتی تلاش برای تولید و خودکفائی داروئی در غیاب غولهای صنعتی و با حمایت قوی دولت صورت پذیرفت بگونه‌ایکه در اولین سالهای اداره صنایع داروسازی با تغییر خطوط و تبیین سیاستهای داروئی و برنامه‌ریزی متصرکتر تحولی عظیم با نصب و راماندازی ماشین آلات فوق العاده مدرن در صنایع داروسازی بوقوع پیوست و در حقیقت این صنعت ضمن نیل سریع به برآورد نیاز داخلی امکان بالقوه‌ای را برای تولید انبو و صادرات بدست آورد. در طی ده سال گذشته صنایع داروسازی کشور با سرمایه گذاری و اداره دولت به رشد خود ادامه داده و در حال حاضر در مقام مقایسه از جمله بهترین و مجهرزترین صنایع داروسازی در خاورمیانه می‌باشند.

اینکه با توجه به شرایط جدید اقتصادی کشور و سیاست واگذاری سهام شرکتهای داروسازی تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران به بخش خصوصی موضوع تعدد، شرکتهای داروسازی و نوع مدیریت آینده آنها از جمله مسائلی است که میباشد بدان توجه خاص مبنول گردید زیرا طبق آخرین آمار از چهل و چهار شرکت تولید کننده دارو در سال ۱۳۶۸ به ترتیب ۴۸/۳ و ۴۸ درصد تولید سهم ۱۷ شرکت داروسازی متعلق به سازمان صنایع ملی ایران، ۱۶/۹ درصد سهم چهار

شرکت تولیدی دولتی، ۱۸/۲ در صد سهم سه شرکت تولیدی وابسته به بنیاد ۱۵ خرداد، ۱۲/۳۸ در صد سهم مربوط به ۱۸ شرکت تولیدی متعلق به بخش خصوصی و ۴/۵ در صد سهم تولید نیز در مالکیت سایر ارگانها میباشد. اغلب شرکتها کوچک داروسازی از امکانات

بسیار محدودی برخوردار بوده و برای هماهنگی و مراحت حداقل ضوابط و استانداردهای کنترل کیفیت بنناچار وسائل و تجهیزات بسیار زیادی را بکار گرفته اند و هزینه های روزافزونی را متتحمل میگردند. ولی در هر حال توانائی های اقتصادی و تحقیقاتی شرکتها به هیچ وجه اجازه کارهای بزرگ را نمیدهد و گاهی قیمت تمام شده کالا برای لا برآوارهای کوچک بسیار بالا بوده و اگر رقابت سالمی در بازار بمحله اجرا گذاشته شود معلوم نیست آینده شرکتها کوچک به کجا خواهد انجامید. شاید یکی از علل موفقیت گروه داروئی سازمان صنایع ملی ایران در سالهای اخیر مدیریت متصرک و قدرت اقتصادی قوی آن بوده است و همین قدرت است که باعث تأسیس لا برآوارهای جدید و سرمایه گذاری های بزرگ در امر کارهای زیر بنائی شده و علی رغم دولتی بودن شرکتها مزبور پرداختن به کیفیت، توسعه و تحقیق از الوبت بالائی برخوردار بوده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم خصوصاً در دو دهه گذشته با افزایش هزینه های تحقیقاتی مربوط به کشف داروهای جدید و هزینه های سنگین تبلیغات علمی، شرکتها بزرگ داروسازی غرب بنناچار ضمن هدایت

صحیح سرمایه گذاریها با خرید سهام یک دیگر در هم ادغام شده و غولهای بزرگ داروسازی را بوجود آورده اند که از جمله خرید و ادغام شرکتها میتوان از ادغام شرکتها سپا، گایگی و زیما و شرکتها واندر و ساندوز در سوئیس نام برد.

ادغام کمپانیهای متعدد در مجموعه شرکت سانوفی و رون پولن در فرانسه و ادغام اخیر شرکتها بزرگ همچون اس کاف، ایچام و ریتس نام برد. با اینکه خرید شرکتها مختلف و ایجاد انحصارات عظیم صنعتی و تجاری برای قبضه کردن بازارهای جهانی علل اقتصادی و سیاسی مختلفی دارد ولی بد نیست اشاره کنیم که در شش ماهه اول سال ۱۹۹۱ میلادی طبق گزارش مؤسسه حسابرسی (ملکلین توک) سرمایه گزاریهای مربوط به خرید یا ادغام شرکتها در سطح جهانی به ۲۳/۳ میلیارد دلار بالغ شده است و این میزان نسبت به رقم ۶۴ میلیارد دلار در دوره مشابه سال قبل ۶۴ درصد کاهش نشان میدهد.

لذا بدلیل ارتباط تنگاتنگ اقتصاد جهانی و نزدیکی صنایع داروئی ایران با سایر صنایع خصوصاً در بازار صادرات، تغییر ساختار مالکیت و تبدیل گروه داروئی سازمان صنایع ملی ایران به شرکتها کوچک داروسازی بجز از هم نمونه ای است که بنویه خود در خلاف جهت ساختار فعلی صنایع جهانی می نمایند و بدیهی است که سازماندهی، راهبری شرکتها کوچک از نظر سرمایه گذاری، رقابت سالم در بازار، آزادی عمل در کنار رقبای قوی خارجی

- ۱۱- تمرکز در برنامه ریزی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری
- ۱۲- بهینه‌سازی پروسه توسعه و نوسازی شرکتها، اشاره نمود. امید است مسئولین رده بالای صنعتی و داروسازی کشور همراه تغییر ساختار مالکیت شرکتها و فروش سهام به دست اندر کاران داروسازی، عنایت کافی به این ضرورت مبذول فرمایند.

دکتر علی متصری

و در نهایت از نظر توسعه و تحقیق و مدیریت امری است بسیار مشکل و ناگفته پیداست که امکان رشد و توسعه صادرات در آینده محدود خواهد بود و اگر در صحنه داروسازی داخلی به کمپانیهای خارجی اجازه فعالیت داده شود نگرانی از آینده این مؤسسات کوچک اقتصادی بی دلیل نخواهد بود. با اینکه گاهی صحبت از مشکلات اداره شرکتها بزرگ مطرح می‌گردد ولی ادغام شرکتها داروسازی از نظر مدیریت و سرمایه‌گذاری و پرهیز از کارهای موازی دارای مزایای زیادی است که از آنجمله می‌توان به:

- ۱- افزایش توان سرمایه‌گذاری
- ۲- قابلیت ارتباط مطلوب با نهادهای رسمی و تصمیم‌گیر کشور
- ۳- جلب مشارکت آسان مؤسسات معابر

جهانی

- ۴- استعداد تولید انبوه و شکستن قیمتها
- ۵- بالارفتن توان رقابت در بازار داخلی و خارجی
- ۶- جلب اعتماد سیستم بانکی و سایر مؤسسات اعتباری
- ۷- تمرکز خدمات مشترک (خدمات مدیریت - تحقیقات و توسعه)
- ۸- کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری شرکتها از طریق انجام فعالیتهای بازار گانی و اقتصادی مشترک
- ۹- قابلیت مناسب حضور در بازار سهام
- ۱۰- رشد ظرفیت و توان حمایت از واحدهای دیگر در هنگام بحران